



▪ هفته‌نامه افق حوزه ▪ دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۲ ▪ ۲۶ رمضان المبارک ۱۴۴۴ ▪ ۱۷ آوریل ۲۰۲۳ | **شماره سوم**

چشم مسلح و رؤیت هلال

اشاره: حلول ماه‌های قمری با رؤیت هلال ثابت می‌شود. از صدر اسلام تا سده اخیر، رؤیت به‌طور طبیعی و بدون استفاده از ابزارهایی مانند دوربین و تلسکوپ صورت می‌گرفت؛ اما در سده اخیر برای رؤیت از ابزار هم استفاده می‌شود. اکنون این سؤال مطرح می‌گردد که اگر هلال فقط با ابزار رؤیت شد و بدون آن به هیچ‌وجه قابل رؤیت نبود، آیا در این صورت حلول ماه ثابت می‌گردد یا نه؟ حجت‌الاسلام و المسلمین رضا مختاری؛ رئیس مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه در جلد۵ کتاب «رویت هلال» چاپ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در پاسخ به این سوال، مقاله پیش رو را نگاشته‌اند که مشروح آن در قالب یک ویژه‌نامه چهار صفحه‌ای در چهار موضوع تقدیم خوانندگان ارجمند می‌گردد.

• مقدمات بحث

«**یکم:** تردیدی نیست که ظرف تحقق روزه (ماه رمضان) است؛ همچنان که وقت تحقق وقوف برای حجاج، نهم (ماه ذی‌حجه) و زمان ادای احکام روز عید قربان دهم (ماه ذی‌حجه) است و همین‌طور واجبات و مستحبات دیگری که بر عناوینی مثل شب‌های قدر، عید فطر، شب و روز مبعث و عید غدیر مترتب شده است. بدین معنی که واقع (ماه رمضان) و مانند آن، ظرف تحقق واجب است، نه ماه رمضان) معلوم. بنابراین با تحقق (ماه رمضان)، حکم وجوب روزه بر آن مترتب می‌شود؛ هرچند علم به آن پیدا نشود. این موضوع، علاوه بر روایات، از قرآن مجید به‌خوبی استفاده می‌شود و کسی منکر آن نیست.^۱

اکنون باید دید مقصود شارع از (ماه) (شهر) چیست و در اصطلاح شارع، این واژه بر چه معنایی حمل می‌شود؟ در اینکه این (ماه)، قمری است نه شمسّی، تردیدی نیست؛ ولی (ماه قمری) در اصطلاح منجمان و عرف، چند اطلاق و معنی دارد:

۱. (ماه وَسَطی یا زیجی) که بر اساس آن، اولین ماه سال قمری (محرم) را ۳۰ روز و دومین را ۲۹ روز ـ و همین‌طور تا پایان سال ـ محاسبه می‌کنند. بر این مبنا، همیشه ماه شعبان ناقص (۲۹ روزه) و ماه رمضان تام^۲ (۳۰ روزه) است. این تعبیر در اصطلاح منجمان و کتب زیج به‌کار می‌رود. ۲. (ماه نجومی یا طبیعی) که عبارت است از: سیر ماه از یک نقطه معین در فضا، تا بازگشت به‌همان نقطه که مدت آن ۲۷ روز و ۷ ساعت و ۳۳ دقیقه است. ۳. (ماه اقترانی یا اصطلاحی یا حقیقی) که عبارت است از: فاصله زمانی دو لحظه مقارنه متوالی نترین که مدت آن ۲۹ روز و ۱۲ ساعت و ۴۴ دقیقه و ۳ ثانیه و ۳ و نالته و ۹ رابعه و ۳۶ خامسه است.

۴. (ماه هلالی عرفی یا شرعی) که با رؤیت هلال شروع و با رؤیت هلال ماه بعد خاتمه می‌یابد که گاهی ۲۹ روز و گاهی ۳۰ روز است و ممکن است، چهار ماه متوالی ۳۰ روزه و سه ماه متوالی ۲۹ روزه باشد و بیش از این ممکن نیست.^۳ مسلماً مراد از (شهر) در قرآن کریم و روایات شریفه، سه معنای اول نیست؛ بلکه مقصود، معنای چهارم است؛ زیرا عرف مخاطب، منظور شارع مقدس از کلمه «شهر»، همین معنی را می‌فهمیده و آن را بر همین معنی حمل می‌کرده است. توضیح اینکه معنای چهارم از مخترعات شرعی نیست؛ بلکه عرب زمان جاهلیت نیز، (ماه) را از رؤیت

هلال تا رؤیت هلال بعدی می‌دانسته‌اند. سخن برخی از بزرگان و خبرگان فن در این‌باره چنین است:

«... فمستعملو الشهر القمري بعضهم وهم الترك أخذوا مبداه من اجتماع حقیقی، فالشهر عندهم من اجتماع حقیقی بین النّیّرتین الی اجتماع حقیقی بعده، فإن وقع الاجتماع قبل نصف النهار فذلک الیوم هو أوّل الشهر وإن کان بعده فالیوم الذّی بعده...»

والمسلمون وأهل البادية من الأعراب أخذوه من لیلۃ رؤیة الهلال إلی لیلته؛ لأنّ أقرب أوضاع القمر من الشمس الی الإدراک هو الهلال، فالأوضاع الأخری من المقابلة والتربیع وغیر ذلک لایدرک إلا بحسب التخمین؛ فإنّ القمر یرقی علی النور التامّ قبل المقابلة وبعدها زمانا کثیرا، وكذلك غیره من الأوضاع، وأما وضعه منها عند وصوله فی تحت الشعاع وإن کان یشبه وضع الهلال فی ذلک لکنّه فی وضع الهلال یشبه الموجود بعد العدم والمولود الخارج من الظلم، فجعله مبدءاً أوّلی...»^۴

«... لا یرب فی آنّ الناس قبل ظهور الإسلام کانوا قد یَنَوُّوا أمورههم علی نظام السنوات القمریة وقد ادّعی أنّ غالب الأهمّ القديمة کانوا كذلك والأعراب فی الجاهلیة بأجمعهم کانوا یَتخذون الشهور القمریة فی مواقیبهم...»^۵

«عنوان (الشهر) الذّی أنیط به الحکم بوجوب الصوم أمر عرفی ولیس من مستحدثات الشارع ومن الواضح أنّ (الشهر) عند العرف أمر واقعی ولیس للرؤیة دخل فیه إلا بنحو الطریقۃ المحضة...»^۶

مهم‌تر از همه اینها تصریح نابغه جهان اسلام، ابوریحان بیرونی، بدین نکته در «الآثار الباقیة» است:

«...وكانوا فی الجاهلیة یستعملونها علی نحو ما یستعمله أهل الإسلام وكان یدور حجتهم فی الأزمّة الأربعه... ویبتدؤون بالشهر من رؤیة الهلال وكذلك شرع فی الإسلام...»^۷ میرزای قمی^۸ هم نوشته است: «(شهر رمضان) الذّی ورد فی القرآن والسّنة یرجع فی معناه إلی العرف والمعروف فی معناه: ما کان محدوداً بالرؤیة فی أوّله وآخره».^۹

«**دوم:** (ماه) ـ نزد عرف مخاطب شارع ـ یعنی محدوده رؤیت‌پذیری هلال تا رؤیت‌پذیری هلال بعدی و به عبارت دیگر، ملاک شروع ماه نزد عرف، رؤیت‌پذیری هلال هنگام غروب آفتاب است. چنانکه اثبات خواهد شد، ملاک شروع ماه به نظر شارع هم، رؤیت‌پذیری هلال هنگام غروب آفتاب است».^{۱۰}

بنابراین صرف خروج قمر از تحت الشعاع، یا لحظه مقارنه، در اصطلاح شرع و اهل نجوم و عرف، مبدأ و نشانه حلول ماه نیست. بلی، بعضی لحظه اقتران را شروع ماه می‌دانسته‌اند؛^{۱۱} اما این ربطی به اصطلاح شرع و عرف صدر اسلام ندارد. اکنون نیز در عربستان سعودی بر همین مبنا عمل می‌کنند؛ بدین‌صورت که: اگر در روز بیست و نهم ماه قمری دو شرط وجود داشته باشد، روز بعد اوّلین روز ماه جدید خواهد بود.

این دو شرط عبارت‌اند از:

۱. مقارنه زمین مرکزی، قبل از غروب خورشید باشد؛ ۲. غروب ماه بعد از غروب خورشید اتفاق بیفتد؛ البته این مبنا شرعی و مستند به رؤیت نیست و در آن احتمال شروع ماه قمری با هلال با سن^{۱۲} کمتر از دوازده ساعت، زیاد است و از طرفی حتی با محاسبات نجومی، وجود چنین هلال‌هایی غیرممکن است. بنابراین به کار بردن کلمه (هلال) در این موارد صحیح نیست و مثلاً بهتر است گفته شود: (ماه با سن^{۱۳} شش ساعت) و نه (هلال شش ساعته)؛ چون هلال یعنی بازتاب نور خورشید از لبه ماه و این بازتاب در ماه با سن^{۱۴} کمتر از هشت ساعت – به‌علت پستی و بلندی‌ها و عوارض سطحی ماه و سایه‌های کوه‌های آن – روی نمی‌دهد. برای مثال، ما هرگز هلال هفت ساعته نداریم»^{۱۵}

«**سوم:** رؤیت هلال به‌صرف خروج ماه از تحت الشعاع امکان‌پذیر نیست و به عوامل و مشخصه‌های گوناگونی بستگی دارد. در کشورهای مختلف برای پیش‌بینی رؤیت هلال ماه‌های قمری، روش‌های گوناگونی به‌کار می‌گیرند. در هریک از این روش‌ها، مجموعه‌ای از مشخصه‌های خورشید و هلال در لحظه غروب خورشید روز ۲۹ هر ماه به‌کار می‌رود.

می‌فزایم که لحظه پس از مقارنه، همان لحظه تولّد ماه نو است و هرچه لحظه غروب خورشید یا لحظه اوّلین رؤیت هلال ماه، دیرتر از آن صورت بگیرد، آن هلال را در اصطلاح مسن‌تر می‌نامند و هرچه این مدت کمتر باشد، آن هلال را جوان‌تر به‌شمار می‌آورند. برخی از اهل فن، هلال ماه‌های با سن^{۱۶} کمتر از ۲۰، بین ۲۰ تا ۲۴ و بیشتر از ۲۴ ساعت را به‌ترتیب، به جوان، میان‌سن و مسن^{۱۷} دسته‌بندی می‌کنند. با توجه به تجربیات و گزارش دستاورد تلاش ۱۲۷ ساله عده‌ای از اهل فن و شیفتگان شکار هلال، این نتایج به دست آمده است:

(الف) رؤیت‌ناپذیری هلال با چشم مسلّح در مورد هلال

ماه‌هایی که سن^{۱۸} آن در لحظه غروب خورشید از ۱۱ ساعت و ۵۶ دقیقه کمتر است.

(ب) رؤیت‌ناپذیری هلال با چشم غیر مسلّح در مورد هلال ماه‌هایی که سن^{۱۹} آن در لحظه غروب خورشید از ۱۴ ساعت و ۹ دقیقه کمتر است...^{۲۰}

«**چهارم:** در روایات بسیاری از شیعه و سنی نشانه حلول ماه یا وجوب روزه و افطار، رؤیت هلال دانسته شده است؛ از جمله:

سئل أبوعبدالله علیه السلام عن الأهلة، فقال: (هی أهله الشهور، فإذا رأیت الهلال فسمّ وإذا رأیته فأفطر).
صُم لرؤیة الهلال وأفطر لرؤیته.

لیس علی أهل القبلة إلا الرؤیة، لیس علی المسلمین إلا الرؤیة»^{۲۱}

۱. صیام شهر رمضان فریضة، یصام للرؤیة ویفطر للرؤیة.
۲. صوموا لرؤیته وأفطروا لرؤیته.

۳. لاتصم إلا للرؤیة»^{۲۲}

می‌دانیم که به ادّله بسیار، (رؤیت) در این احادیث و مانند اینها طریقت دارد؛ نه موضوعیت. ادله طریقت رؤیت را به‌تفصیل در مجلّدات رؤیت هلال نقل و درج کرده‌ام و دوباره به آن نمی‌پردازم. اکنون باید دید (ذوالطریق) چیست؟ یعنی پس از آنکه مسلمّ شد، رؤیت، ثبوتاً موضوع حکم نیست که حکم دایرمدار آن باشد، سؤال این است که حکم ثبوتاً دایرمدار چیست و چه چیزِی واقعاً نشانه حلول ماه است؟

اگر گفته شود: رؤیت، طریق است برای خروج قمر از محاق و تحت‌الشعاع و بنابراین خروج قمر از محاق و تحت‌الشعاع، نشانه حلول ماه است، می‌گوییم: این سخن البته خطاست؛ زیرا:

اوّلًا، ادّعایی است بدون دلیل و اگر بنا باشد، بدون دلیل سخن گفت، چه‌بسا کسی ادّعا کند که رؤیت طریق است، برای لحظه مقارنه نترین یا لحظه پس از مقارنه؛ یعنی لحظه تولّد هلال (به‌اصطلاح صحیح در تولّد هلال). ثانیاً، موضوع قرار دادن (خروج قمر از محاق و تحت‌الشعاع)، تالی فاسدی دارد که قابل التزام نیست. به بیان برخی از بزرگان:

«إذا جعلنا مبدء الشهر هو خروج القمر عن تحت الشعاع مثلاً وهو أمر وحدانی فی جمیع العالم، فرمّا یخرج القمر عن تحت الشعاع بعد ساعة من اللیل ورتبما بعد ساعتین أو بعد ثلاث ساعات و هكذا ورتبما یكون خروجه أوّل طلوع



الفجر أو أوّل طلوع الشمس أو بعد ساعة من طلوعها أو بعد ساعتین أو بعد ثلاث ساعات، أو فی وسط النهار وقت زوالها، فلا یمکن تعیننه وتقديره بوجه من الوجوه... فلا یذ وأن نلتزم بأنّ ثلث الیوم الثلاثین أو نصفه أو ثلثیه وهكذا من شهر رمضان والباقی من سؤل...»

فهل یمکن لأحد أن یلتزم بهذه المحاذیر؟... فهذه الوجوه لم یلتزم أحد».^{۲۳}

ثالثاً، لازمه‌اش نادیده گرفتن تصریح روایات به (رؤیت هلال) به‌عنوان نشانه شروع ماه است.

بنابراین صرف خروج ماه از تحت‌الشعاع ـ که به دست آوردن آن، یکی از ساده‌ترین محاسبات نجومی قدیم و جدید است ـ نشانه شروع و ثبوت ماه جدید نیست و حتّی آیت‌الله خوئی^{۲۴} که شاید بیش از همه برای تثبیت مدّعی خود از آن استفاده کرده، در پاسخ به استفتایی فرموده است: «لا أثر لاهلثمنان بتولّده؛ بل ولا الاطمئنان بقابلتیه للرؤیة؛ بل لابدّ من الرؤیة خارجاً».^{۲۵}

البته ذیل سخن ایشان؛ یعنی (ولا الاطمئنان...) (بپذیرفتنی نیست.

• پی‌نوشت‌ها

- گاهی هم در کلام فقها از روی مسامحه گفته می‌شود: (ماه رمضان موضوع وجوب روزه است) (رؤیت هلال، ج/۱، ۱۴۴۴؛ الآفی أو الآفاق/۶۰)؛ ولی مقصود همان است که در متن ذکر شد؛
- رک: رؤیت هلال، ج/۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۴، ۲۷۰۴؛
- رک: همان/۷۹۵، ۷۹۴، ۷۹۳، ۸۰۸، ۸۰۷، ۱۲۸۸، ۱۲۹۷، ۱۲۹۶، ۱۳۳۱، ۱۳۱۷، ۱۳۵۲، ۱۴۵۱، و ج/۲، ۲۹۰۳، ۲۹۱۳، ۲۹۱۰، ۲۹۱۶؛
- همان، ج/۲، ۲۹۱۷، ۲۹۱۰؛
- همان، ج/۱۱۶؛
- همان/۸۹۴؛
- همان/۲۸۹۴، ۲۸۹۱؛
- همان، ج/۳، ۲۰۳۶، نیز رک: ج/۲، ۱۴۷۷، ۱۴۷۶؛
- یعنی در هر افقی که هلال هنگام غروب رؤیت‌پذیر باشد، ماه قمری جدید در همان افق شروع می‌شود. برخلاف نظر مرحوم آیت‌الله خوئی^{۲۶} و تابعینش که رؤیت‌پذیری در یک نقطه را برای سایر نقاطی که در جزئی از شب با آن نقطه مشترک‌اند، کافی می‌دانند؛
- (رؤیت هلال، ج/۱، ۱۹۹، ۱۹۸)؛
- تحقیقات اسلامی، سال۱۵، شماره۲، ص ۷۵ و ۷۸؛
- گزارش جامع طرح سراسری رؤیت هلال ماه‌های قمری/ ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶، ص ۳۰؛
- رک: رؤیت هلال، ج/۴، ۱۱۸۸، ۱۲۶۸، ۱۲۶۷، ۱۳۸۴، ۱۳۴۰؛
- رؤیت هلال، ج/۲، ۸۱۸، ۸۱۷ و نیز رک: ص ۸۲۰؛
- همان/۱۰۸۴.

العلم الحديث.

۲. آثار مشتمل عامه در رؤیت هلال که نظریات علمای بزرگی چون: محمدبن ادریس شافعی، عبدالسلام سخن‌بن سعید تنوخی، اسماعیل‌بن یحیی مزنی، احمدبن علی حصاص رازی و علی‌بن محمدبن حبیب مارودی را از لابه‌لای کتاب‌های مختلف درآورده و بیان نموده‌است.

۳. فاطمیان و رؤیت هلال که دو کتاب از فاطمیون به‌نام الصوم عند الفاطمیین^{۲۷} و^{۲۸} آورده شده است.

بخش ششم: کتاب‌شناسی رؤیت هلال،

در این بخش آثار مستقل امامیه در رؤیت هلال و آثار مستقل عامه در رؤیت هلال مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

بخش هفتم: احادیث رؤیت هلال.

از باب روایی، بحث رؤیت هلال دارای احادیث و روایاتی از معصومین علیهم‌السلام می‌باشد که تک‌تک آن‌ها ذکر و روایتشان مشخص گردیده‌است.

• خاتمه

در خاتمه کتاب ضمن بیان نکاتی اصلاحی، دو رساله که بعداً به دست مؤلف رسیده نیز به رساله‌های مذکور اضافه شده‌است.



ماه‌های قمری بیان نموده است.

بخش پنجم: مذاهب دیگر و رؤیت هلال

این بخش از کتاب مربوط به نگاه مذاهب دیگر به بحث رؤیت هلال است که دارای سه فصل می‌باشد.

۱. آثار مستقل عامه در رؤیت هلال که سه کتاب مهم را در بر گرفته است؛ به نام‌های: اثبات الشهور والهلالیة و مشکلة التوقیت الاسلامی، علم الفلك و علاقة بالتکالیف الشرعیة و ثبوت الشهر القمري بین الحديث النبوی و